

## نظام آموزش درخوش‌نویسی\*

**دکتر مینا صدری\*\***

دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۴/۲۵)

### چکیده:

هنر خوش‌نویسی از جمله رشته‌های هنری است که نظام آموزش آن در پرتو سنت‌های برگرفته از آموزه‌های دینی شکل گرفته است. عوامل و عناصری در این نظام قوام یافته که به حفظ و تکوین و گسترش آن منجر شد. سؤال این است که این عناصر کدام هستند و چگونه موجب حفظ و گسترش آن شده‌اند؟ عواملی چون تربیت اخلاقی، حقوق متقابل استاد و شاگرد و شیوه‌های آموزشی (مشق نظری، مشق قلمی و مشق خیالی) با ویژگی‌ها و شرایط خاص خود بر تداوم و تکوین خوش‌نویسی اثر داشته است. یاد گیری قرآن و متون حدیث در کودکی بستری اخلاقی برای تداوم و ثبات دیگر عوامل آموزش فراهم می‌کند. استاد و شاگرد در این شرایط با رعایت حقوقی که بر ذمہ هم دارند و با بهره بردن از شیوه‌های آموزشی مانند تعلیم زبانی و قلمی از طرف استاد و انجام مشق نظری، مشق قلمی و مشق خیالی از طرف شاگرد به حفظ، گسترش و تکوین آن مدد می‌رسانند. این مقاله با استفاده از متون قدیم، چون کتب عرفانی و رسائل خوش‌نویسی، به روش کیفی و تحلیل محتوا به بحث در باب آموزش خطاطی در نظام استاد-شاگردی پرداخته است.

### واژه‌های کلیدی:

نظام استاد-شاگردی، مشق نظری، مشق قلمی، مشق خیالی.

\* این مقاله مستخرج از رساله دکتری نگارنده با عنوان "تأثیر عوامل فرهنگی بر تحول نگارگری مکتب هرات" می‌باشد که به راهنمایی جناب آقای دکتر یعقوب آژندو مشاوره آقایان محمدعلی رجبی و دکتر محمد خزایی در دانشگاه شاهد به انجام رسیده است.

\*\* تلفن: ۰۹۱۲۴۹۳۷۸۲۰ ، نامبر: ۰۶۱۹۶۵ - ۰۲۱ - ۴۴۰۶۱۹۶۵ . E-mail: sadryh@yahoo.com

## مقدمه

برخی از متون حدیث، عقاید ایمان بیش از هر چیز در دل ها رسوخ می یابد و بنابراین قرآن به منزله اساس تعلیم قرار گرفته و دیگر ملکاتی که محصل فرا گیرد همه مبتنی بر آن است" (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ۱۱۳۸). در کنار فراگیری قرآن و متون حدیث آموزش های دیگری مانند حسن خط نیز وجود داشته است. "در تعلیم کودکان مسائل دیگری را با آن در می آمیزند مانند: روایت شعر به طور اکثر و ترسیل و واداشت ایشان به ... حسن خط و نوشتن و عنایت ایشان در تعلیم تنها اختصاص به قرآن ندارد بلکه توجه ایشان به خط بیش از همه مواد است" (همان، ۱۱۳۹). دوست محمد گواشانی در دیباچه خود مصداقی از آن را بیان می کند: "امیر روح الله مشهور به میرک نقاش هروی الاصل از سادات کمانگر است و در اوایل حال به حفظ و تلاوت کلام ملک علام [قرآن] و مشق خط اشتغال داشت و بعد از فوت پدر به کتابت کتابه میل کرد" (گواشانی، ۱۳۷۲، ۲۷۲). این سنت در جامعه آن دوره جاری و ساری بوده و بسیاری از هنرمندان پرچسته ذیل این تعلیم رشد کرده و به بالندگی رسیده اند.

از آن جهت که تنسیخ نسخ به وسیله خوش نویسی صورت می گرفته بر تعلیم خط از کودکی سفارش فراوان می شد. چنانکه "میر عmad از سن هشت سالگی خط آموزی را آغاز کرد" (شیمل، ۱۳۶۸، ۸۰). میرعلی هروی نیز با تأکید بر حدیث پیامبر در مورد تعلیم خط چنین می نگارد:

برخطیر خطاطان خطه خطکه مرآت جلی است مخفی نباشد که بهترین فضلی که افسر مرمر نوعی انسان از جنس حیوان تواند بود یکی فضیلت نطق است و دیگری قابلیت کتابت، که مأخذ هر دو زبان است. یکی ذاتی و دیگری کسبی. و چون حدیث (اکرم او لادم بالکتابت) به صیغه امر جاری شد، پس بر همه کس واجب است که فرزندان را با آن که بر ایشان قلم تکلیف نیست به گرفتن قلم تکلیف کنند. و ایشان را صید این علم کرده به قید خط مقید سازند که (العلم صید والکتابت قید). اما باید که به خط ما یقراً قانع نشوند و بکوشند که حسن خط به دست آورند" (هروی، ۱۳۷۲، ۸۹).

خط که مایقراً است شهرت او

آن اشارت بود به خط نکو

به رآن است که خط بر خوانند

نه که در خواندنش در مانند

ای که مایقرأش همی خوانی

توان خواندنش باسانی

حسن خط چشم را کند روشن

قبح خط دیده را کند گلخن"

(مشهدی، ۱۳۷۳، ۲۱)

سنت تعلیم و تربیت و نظام آموزشی در ایران در عرصه های گوناگون در سایه آموزه های دینی، ابتدا به پرورش اخلاق و مبانی فکری اهمیت داده و سپس تعلیم علم و هنر را توصیه کرده است. هنر خوش نویسی از جمله رشته های هنری است که مبانی و عوامل آموزشی آن در پرتو این سنت شکل گرفته است. تداوم این سنت و نظام آموزشی آن، در حرکت پیوسته خوش نویسی و اعتلای آن جایگاه ویژه ای دارد. بی شک این سنت موجب شکل گیری ویژگی ها و عناصری در نظام آموزش خوشنویسی شده است. در این مقام دو سؤال مهم مطرح می شود:

الف - عناصر و عوامل شکل دهنده آموزش در خوشنویسی کدام است؟

ب- این عناصر و عوامل چگونه موجب حفظ و گسترش خوشنویسی شده است؟

ویژگی این عوامل که متأثر از فرهنگ اسلامی هستند، قابل تأمل است و بررسی آنها می تواند دلایل رشد و گسترش این هنر را در ادوار گذشته تبیین و جایگاه هر کدام از آنها را در نظام آموزش آشکار کند. اهمیت عواملی چون تربیت اخلاقی، استاد، شاگرد و حقوق متقابل آنها و شیوه های آموزش چون مشق نظری، مشق قلمی و مشق خیال، به عنوان متغیرهای تحقیق، در رسائل خوشنویسی ذکر شده است. برای دستیابی به اطلاعات و بررسی این موضوع، رجوع به متون نوشتاری قدیم و در برخی از موارد آثار به جا مانده ضروری است. این متون منابع اصلی تحقیق هستند.

برخی از مستندات در نحوه آموزش، به وسیله خوش نویسان به رشتہ تحریر درآمده و ثبت شده است. در این رسائل اصولی مطرح می شود که ظاهراً، نظام آموزشی ادوار گذشته را تشریح می کند. تنزیه اخلاق اولین موضوعی است که رسائل خوش نویسی به اتفاق به آن می پردازند. این تأکید نشان از اهمیت آن نزد هنرمندان آن دوره دارد. این ویژگی به صراحت در رسائل خوشنویسی ذکر شده است. در صفت کاتب چنین آورده اند: "کاتب را از صفات ذمیمه احترام می باید کرد زیرا که صفات ذمیمه در نفس علامت بی اعتدالی است و حاشا که از نفس بی اعتدال کاری آید که در اعتدال باشد" (میرعماد الحسنی، ۱۳۸۰، ۳). و باید دانست که هر چند درون از کدورت خالی است خط خوب و نیکو آید" (هروی، ۱۳۷۲، ۸۹).

تربیت اخلاقی مقدمه ورود به یادگیری و آموزش خوشنویسی است. به این منظور ابتدا آموزش از قرآن آغاز شده و در کنار آن فراگیری از تعالیم عرف و حکما جای دارد. ابن خلدون مورخ نام آور در گزارشی که از نحوه آموزش در زمان خود ارائه می دهد به این نکته اشاره می کند و می گوید: "باید دانست که تعلیم دادن قرآن به فرزندان یکی از شعائر دینی است ... از این رو به سبب آیات قرآن و

صادقی بیک افشار نیز چنین بیان می کند:  
"زرا و رسم استادان مکش پای به آین تبع راه پیمای" (قمی، ۱۳۶۶، ۱۵۹).

جایگاه معلم و استاد تا بدان جا است که کمال خط را ابتدا با وجود استاد میسر دانسته و چنین آورده اند: "باید دانست که کمال خط به سه امر حاصل شود: اول تعلیم استاد، دوم صفاتی باطن، سیم کثیر مشق" (سبزواری، ۱۳۷۷، ۱۱۰).

### ب - جایگاه استاد و وظایف وی نسبت به شاگرد

نگاه احترام آمیز به معلم و استاد، به عنوان معتبرترین و مهم ترین مرجع و منبع یادگیری موجب می شود که دستاوردهای هنری پیشین به عنوان اصالت های هنری از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و به تدریج بر کیفیت آن افزوده شود. رابطه میان استاد و شاگرد رابطه ای بود که به مرور شکل می گرفت و بسیار صمیمانه می شد. به تعبیری "رابطه میان استاد و شاگرد، به مفهومی خاص، مشابه رابطه محبت آمیز و نزدیک میان مراد و مرید ... بود" (شیمل، ۱۳۶۸، ۸۰). در این ارتباط است که سرمشق های معلم چون قوانین لازم الاجرا بر جان شاگردان و طالبان می نشیند و به عنوان مهمترین مبانی آموزش پذیرفته می شود.

نظراتی در متون مختلف ادبی و عرفانی در مورد شرایط استادی نگاشته شده که در حیطه های متفاوت مشترک است. در این فرصلت به برخی از این نظرات اشاره می شود.

گفته اند از شرایط استادی آن است که: "خود استاد دیده باشد، اهل فتوت باشد، به جزئیات کار و مسیر آشنا باشد، استعداد شاگرد را دانسته و در جهت پرورش او همت نماید" (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، ۹۶). شیخ شهاب الدین عمر سهروردی در فتوت نامه خویش در باب وظایف استاد مطالبی را عنوان می کند. وی می نویسد: حق "صاحب [استاد] بر تربیه [شاگرد]، آنست که یکان یکان تربیگان خود را هر یک بر قدر خویش آزموده و دانسته بود که هر یک را علم و معرفت چیست؟ و چه مقدار است؟ و تصرف کنند که هر یک را چه هنر است؟ و چه خصلت دارد و که عالم تراست؟ و با معرفت تر و در چه هنر استادتر؟" (سهروردی، ۱۳۴۴، ۱۳۵۲). همچنین آمده که "استاد باید همواره در اندیشه شاگرد و در اندیشه آموزش وی باشد، نباید از شاگرد هیچ چیز مضایقه کند، استعداد شاگرد را بیازماید و قابلیت وی بشناسد، شاگرد را برای آموزش آماده کند" (سهروردی، ۱۳۶۲، ۵۷). "[استاد] مدام دل و درون و نظر سوی تربیه [شاگرد] دارد، در خلا و ملاء فراموش نکند، اگر در حضورست، و اگر در میان جمع نظر بسوی تربیه دارد... " (سهروردی، ۱۳۵۲، ۱۲۱). از دیگر وظایف آن است که صاحب [استاد] پیوسته دست به سخاوت و مروت و ایثار گشاده دارد و هیچ چیز از تربیگان [شاگردان] و غیره دریغ ندارد..." (همان، ۱۲۵). تکلیف دیگر استاد آن است که "باید از حال گذشتگان یاد کند ... تا شاگردان از رموز احوال آنان فایده برند و هر دم بر ترجیبات شان افزوده گردد" (همان، ۱۲۵). در خوشنویسی، این شرایط و جایگاه وجود داشته باشد اقتدا به استادی کامل باید کرد" (کاشفی، ۱۳۵۰، ۹۶).

### نظام آموزش در خوشنویسی

به دلیل وجود مناسبات اخلاقی در بین هنرمندان خوش نویس، عوامل و عناصر موجود در نظام آموزشی، دارای روابط و اختصاصات ویژه ای هستند که سبب حفظ و تکوین خوشنویسی شده اند. هر کدام از این عوامل با عملکرد خود، نقش و اهمیت خاصی در عرصه آموزش و سهمی در تکوین و گسترش آن داشته است.

#### الف - استاد

از توصیه های متفکران اسلامی است که قدم گذاشتن در هر مسیری نیاز به معلم و دلیل راه دارد. بر اساس تفکر ایشان اول معلم و استاد خداوند است. "حمد و سپاس مراستادی را که کاتب لوح و قلم بی چون و حافظ [ن و القلم و ما یسطرون] است. خوشنویسی که سر خط نو خطاطان در کلک قلمش [اول ما خلق الله القلم] است. معلمی که سبق سواد خوانان مکتبخانه علمش [علم الانسان مالم یعلم] است" (هروی، ۱۳۷۲، ۸۷). همین امر سبب می شود که در تمام فنون و علوم، استاد رکن اصلی آموزش باشد. مولانا معتقد است که هیچ کس بدون استاد فرجامی ندارد و در مورد اهمیت استاد می گوید:

این عمل وین کسب در راه سداد

کی توان کرد ای پدر بی اوستاد

دون ترین کسبی که در عالم رود

هیچ بی ارشاد استادی بود

اطلب الدرaxی وسط الصدف

والطلب الفن من ارباب الحرف

(مولانا، ۱۳۱۹، ۲۹۶)

جامعی برای نقش معلم و استاد جایگاه ویژه ای قائل می شود و بر آن تأکید می کند. در این ابیات اهمیت معلم از نظر وی آشکار است.

همی بود دائم به فرهنگ و رای

به تعظیم استاد کوشش نمای

کسی گفت چونی چنین رنج بر

به تعظیم استاد بیش از پدر

بگفتازد این نقش آب گل

وزان تربیت یافت جان و دلم

از این شد تن من پذیرای جان

وزان آمد زنده جاودان

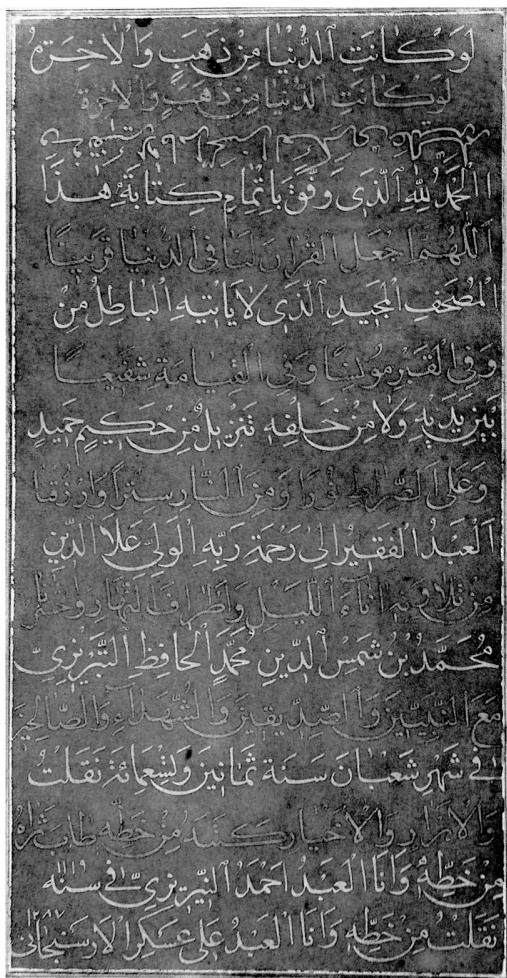
(جامی، ۱۳۷۵، ۹۶۷)

واعظ کاشفی در فتوت نامه سلطانی در مورد استاد چنین می گوید:

"بدان که هیچ کاری بی استاد میسر نمی شود. و هر که بی استاد کاری کند بی بنیاد باشد ... پس هر که خواهد [که کاری] به اصل باشد اقتدا به استادی کامل باید کرد" (کاشفی، ۱۳۵۰، ۹۶).

### د- مشق

"اجزای خط بر دو قسم است: تحصیلی و غیر تحصیلی. بخش تحصیلی آن به ممارست و مداومت کاتب حاصل شده و پخته می‌گردد و غیر تحصیلی آن است که چون تحصیلی حاصل شود آن نیز حاصل شود" (میر عmad الحسni، ۱۳۸۰، ۷). اما برای ورود به بخش تحصیلی خوش نویسی، اصول و روش‌هایی شکل گرفته است که در این مجال بدان پرداخته می‌شود. یکی از روش‌های آموزشی که براساس مبانی سنت تعلیم و تربیت شکل گرفته، مشق کردن است که در عرصه هنر تأکید فراوانی بر آن شده است. در معنی مشق کردن آورده اند: "روش مشق آن است که نظر را در سر تعلیم اندازد و به تفحص تمام در مشق کردن نقل" کند" (بخاری، ۱۳۷۳، ۳۲۵) (تصاویر ۱، الف، ۲، ۲، ۳).



تصویر ۱- در این قطعه، ابتدا احمد نیریزی از خط محمد حافظ تبریزی نقل نموده و احتمالاً علی عسکر ارسنجانی از نیریزی نقل کرده است. تاریخ نقل اول ۱۱۱۹ هـ. ق و نقل دوم ۱۲۸۷ هـ. ق از مجموعه استاد قلمزن حسین علاقمندان.  
مأخذ: (البی قمشه‌ای، ۱۳۶۶، ۸۴)

تصویر ۱ الف-  
بخشی از تصویر ۱.

و استاد از ارکان اصلی آموزش محسوب می‌شده است. چنان‌که محمد بخاری آورده است که: "بدان که خط پوشیده و مخفی است در تعلیم استاد. چنان که این سخن مخفی نیست بر فقط عارف، اعم از این که تعلیم قلمی باشد یا زبانی" (محمد بخاری، ۱۲۷۳، ۲۳۴). به نظر می‌رسد به اعتقاد وی، کمال آموزش استاد در آن است که زبانی و قلمی باشد. در ادامه می‌آورد که "استاد باید به شاگرد شفقت داشته باشد و از خست پرھیزد" (همان). سراج شیرازی نیز در تحفه المحبین در مورد استاد معتقد است: "کسی که در کسوت استادی قرار می‌گیرد باید خود استاد دیده باشد، به صفات حمیده موصوف و از باد نخوت و غرور خالی باشد" (سراج شیرازی، ۱۰۲، ۱۲۷۶ و ۱۰۳).

### ج- شاگرد و وظایف وی نسبت به استاد

در مقابل، شاگرد باید به استاد ارادت کامل داشته و گفته‌های استاد را به جان و دل بشنود، ترک راحت کند و در راه استوار و با صلابت باشد (همان). "شاگرد باید بر استاد واقف باشد و گوش و هوش و جان و دل سوی استاد خود دارد" (سهروردی، ۱۳۵۲، ۱۲۱). گفته‌اند: "اگر پرسند که ارکان شاگردی چند است؟ بگوی چهار: اول آن که مردانه شروع کند که شروع ناکردن به از فرو گذاشت و از راه برگشتن... دویم چهل روز به صدق خدمت کردن سیم دل و زبان را به هم راست داشتن. چهارم پند پذیرفتن و هر چه از استاد شنود یاد گرفتن" (حسین واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، ۱۰۱). سهروردی برخی از این وظایف را این گونه بیان می‌دارد: شاگرد باید "در همه وقت ملازم خدمت صاحب[استاد] باشد و در حضور صاحب با عقل و ادب و تربیت و سکون و تصرف باشد... و بی مهمی سخن نگوید،... و از مقام خویش بالاتر ننشیند" (سهروردی، ۱۳۵۲، ۱۴۸). "در نزد استاد کم سخن گفتن، در هنگام سؤال اجازت گرفتن و در جواب اعتراض نکردن، در مقابل استاد به احترام نشست و برخاست کردن از جمله آداب شاگردی است" (واعظ کاشفی، ۱۳۵۰، ۱۰۱). شاگرد باید به گفته استاد اخلاص و به تعلیم وی توجه کافی و وافی داشته باشد که حرمت استاد بیش از پدر است" (محمد بخاری، ۱۳۷۳، ۲۳۴). طالب خوش نویسی باید که "در طریق طلب با احادیث عزم و صبر جمیل باشد، و از کثرت مشق ملوک نگردد و در خانه پاک و محلی خالی نزه ملبس به لباس نظيف متوجه به توجه تام حامل اقلام براعت نظام خطوط گردد" (سراج شیرازی، ۱۳۷۶، ۱۰۲). سراج شیرازی در رساله خود، بر مأکولات و نوشیدنی‌های نیز تأکید دارد و می‌نویسد: "از غذاهای کثیف که موجب گرانی معده و ثقل بدن و بطيء الهضم باشد احتیاط واجب داند" (همان، ۱۰۲). شاگرد با التزام به این وظایف آن چه که از استاد به وی می‌رسیده به جان می‌پذیرفته و در جهت حفظ، گسترش و تکوین آن می‌کوشیده است. التزام شاگرد به آموزش، موجب انتقال دستاورها از نسلی به نسل دیگر می‌شده است.



تصویر-۳- میر عمار الحسنی،  
مجموعه کاخ کلستان.  
مأخذ: (البی قمشه‌ای، ۱۳۶۴، ۱۵)



تصویر-۲- این چلیپا در سال  
۱۲۳۷ هـ. ق. توسط عباس نوری از  
چلیپای میر عمار الحسنی نقل شده  
است، مجموعه کاخ کلستان.  
مأخذ: (البی قمشه‌ای، ۱۳۶۴، ۳۲)



تصویر۲الف-  
بخشی از تصویر ۲.



تصویر-۴- مشق از خط میر عمار الحسنی، مجموعه عبدالعلی  
ادیب برومند.  
مأخذ: (البی قمشه‌ای، ۱۳۶۴، ۷)

نظری دان نگاه کردن خط  
بودن آگه ز لفظ حرف نقطه  
(مشهدی، ۱۳۷۲، ۳۳۴).

علی رغم نظرات متفاوت این دو رساله، به نظر می‌رسد تقدم و تأخیر به طور مطلق میان این دو مشق وجود ندارد. هنرمند در هر مرتبه‌ای که باشد این دو گونه مشق را انجام می‌دهد. در مراحل ابتدایی مشق نظری وی فقط از خط استاد است. این مشق در مراحل بعدی، هنگامی که در مشق قلمی به کمال رسید، توسط هنرمند انجام می‌پذیرفته است. در این مرحله هنرمند به مطالعه آثار دیگر خوش

## ۱- مشق نظری و قلمی

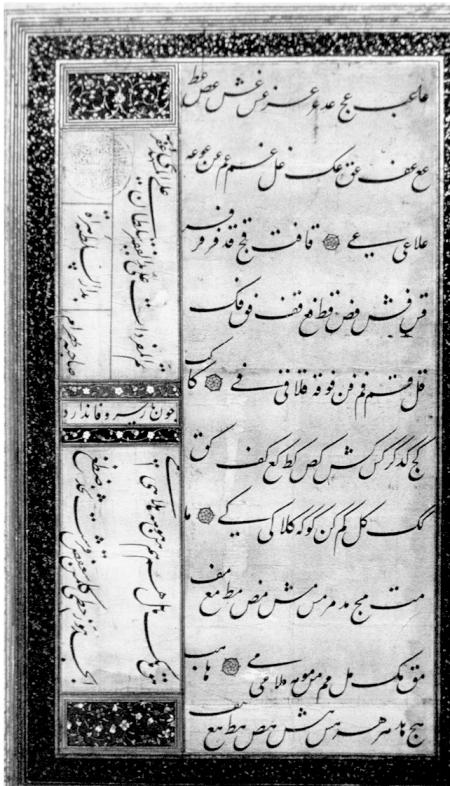
میر عمار در رساله خود، مشق را در سه مرحله مطرح می‌سازد. اولین مرحله را که از آن با عنوان "مشق نظری" یاد می‌کند، مطالعه خط استاد می‌داند. در این مطالعه، شاگرد با کیفیات روحانی خط استاد آشنا می‌شود، تازه فساد و خط از این راه دور شود. در این رساله مشق نظری مقدم بر مشق قلمی است و آن را نقل از خط استاد می‌داند (تصویر۴). میر عمار به این موضوع می‌پردازد که شاگرد باید در این مشق چنان عمل کند که خط استاد در ذهن وی قوت گیرد و هر آنچه می‌نویسد از دقایق و ظرافی آن خالی نباشد (میر عمار الحسنی، ۱۳۸۰، ۱۳).

در رسائل مختلف خط، تفاوت‌های مختصری در تقدم و تأخر این دو نوع مشق وجود دارد. در رساله فوائد الخط محمد بخاری، مشق قلمی مقدم بر مشق نظری است. وی تعلیم را دو نوع می‌داند و این گونه می‌نویسد:

"اما بدان که تعلیم دو نوع است: قلمی و زبانی، و زبانی اهم است از قلمی و مشق نیز دو نوع است: قلمی و نظری. لیکن مبتدی را قلمی اهم است بعد صاحب تشخیص شد دیگر نظری بقلمی بسیار خوب است."

بیت

بردو نوع است مشق ننهفت  
قلمی دان یکی دگر نظری  
باتوای خوب رو جوان گفتم  
نبود این سخن منی و مری



تصویر ۶ - سلطان علی مشهدی، مفردات نستعلیق، هرات، کتابخانه توپقابی سرای، استانبول.

مأخذ: (DAVID J. ROXBURGH, 2004, 256)



تصویر ۵ - خوش‌نویسی از بایسنقر و تعدادی از خوش‌نویسان، هرات، ۸۲۰-۸۳۰ ه. ق. کتابخانه توپقابی سرای، استانبول.

مأخذ: (W. L. Thomas & Glenn Q. D. Lowry, 1989, 115)

## ۲- مشق خیال

بعد از احاطه و اشراف بر ظرایف فنی خط، با جد و جهد در مشق نظری و قلمی، مرحله مهم تری شروع می‌شود که در آن، این مشق‌ها به بار می‌نشینند. میرعماد براین امر تأکید دارد که؛ اگر چه فوائد مشق قلمی بسیار است ولی با ماندن در این مشق، خوش‌نوشنتر را محل می‌داند. بدین ترتیب شاگرد را از ماندن در این قلم باز می‌دارد. در این مرحله شاگرد باید به مشق خیالی روی آورد و مشق قلمی را در جهت کمال مشق خیالی به کار گیرد (میر عماد‌الحسنی، ۱۳۸۰، ۱۵). به نظر می‌رسد مشق خیال در بخشی از خوش‌نویسی قرار می‌گیرد که غیرتحصیلی است. در این جاست که بحث شأن و صفاتی خط مطرح می‌شود. میرعماد صفاتی خط را حالتی می‌داند که در آن طبع مسروق و مروح و چشم نورانی می‌گردد. وی صفاتی خط را به جز موزونی آن می‌داند (همان، ۱۰). در این مرحله، صفات حمیده‌هنرمند در اثرش ظاهر می‌شود... و به قول میرعماد "آثار انوار این صفات مبارکاً از چهره شاهد خطش سر زند و مرغوب طبع ارباب هوش افتاد" (همان، ۶). وی در بیان مشق خیالی چنین آورده است که "شاگرد مشق می‌کند امانه از طریق نقل بلکه با رجوع به قوت طبع خویش" (همان، ۱۵) و این مشق را برای آن که شاگرد صاحب تصرف شود و قوت طبع خود را جلوه‌دهد لازم می‌داند. به اعتقاد وی "اگر مشق خیالی غالب شود، اثری که از شاگرد به بار می‌آید بی مغز می‌شود و اگر تنها به مشق قلمی عادت کند و از مشق خیالی گریزان باشد، بی تصرف خواهد شد" (همان، ۱۵).

نویسان می‌پردازد تا با نقد آنها قوت و ضعف‌ها را شناخته، در کار خود به کار گیرد. اثری باقی مانده که ظاهراً چنین هدفی در ورای آن وجود دارد (تصویر ۵). در این اثر خوش‌نویسان مطرح زمان، خطی نوشته‌اند.

"جمع می‌کن خطوط استادان نظر می‌افکن برین [و] بر آن" (همان، ۳۲۵).

شاگرد در مشق قلمی مراحلی را طی می‌کند که از طریق این مراحل، خوش‌نویسی حاصل می‌شود. ابتدا به مشق مفردات یعنی حروف می‌پردازد. سپس ترکیب مفردات است و در آن حروف ترکیب شده و ترتیب و نسبت آنها شناخته می‌شود (تصویر ۶). و بعد از این که در مركبات صاحب تشخیص شود، به سطر نویسی و کتابت روی می‌آورد.

جد و جهد در این مرحله از اهمیت فراوان برخوردار است به طوری که در این کار باید که به روز و شب جد و جهد بسیار کند.

محمد بخاری در فوائد الخطوط چنین می‌گوید:

"تحصیل دوام باید [و] جد طلب"

پیوسته بروز خط [و] تکرار به شب

تقوی و ریاضت و عبادت و ادب

بی این همه تحصیل محال است عجب پس بحث و تکرار این، کثرت مشق اوست بحسب قلمی، و مسطری که مطالعه اوست و تقوی و ریاضات الی آخر باید. و حصول این علم خط و هر علمی بی این محل و عجب است" (بخاری، ۱۳۷۳، ۳۱۳).

امضای یک قطعه خوش‌نویسی با واژه "کتبه" اتفاق مهمی برای هنرمند خوش‌نویس بوده و به معنای اتمام آموزش و تحصیل در نزد استاد اطلاق می‌شده است. "وی می‌توانست با دریافت اجازه از تحصیل فراتر یابد و حق یابد بر پای دستاوردهای خود نام یا رقم خویش را [ایا، در مواردی نامی مستعار را که استاد به وی می‌داد] با آوردن کتبه‌فلان [نوشته‌فلان] بیاورد" (شیمل، ۱۳۶۸، ۷۰).

### ۳- اجازه‌نامه

شاید بتوان ادعا کرد که در این مرحله - مشق خیالی - خوش‌نویس می‌تواند از استاد یا استادن خود اجازه نامه برای خوش‌نویسی و امضای اثر کسب کند. اذن نامه استاد برای

### نتیجه

- دستاوردهای پیشین به نسل بعد می‌شده است.
- ۵ پیروی کامل شاگرد از تعالیم استاد موجب حفظ دستاوردهای پیشین می‌شده است.
- ۵ حفظ دستاوردهای شیوه نقل از استاد و از طریق مشق نظری و مشق قلمی صورت می‌پذیرفته است.
- ۵ توجه به دستاوردهای گذشته و حصول آن‌ها، توسط مشق نظری و قلمی موجب ورود به مشق خیالی می‌شده است و گسترش و توکین آن توسط مشق خیالی صورت پذیرفته است.
- ۵ هر کدام از واژه‌های مشقة، نقله و کتبه در مرحله‌ای از آموزش به کار می‌رفته است. نوشتمن نقله و مشقة به وسیله شاگردان در مرحله مشق نظری و قلمی بوده است و کتبه نشان از فراغت تحصیل و پایان مرحله آموزش است.

- سنن تعلیم و تربیت بعد از پرورش اخلاق، نظامی رادر آموزش خوش‌نویسی ایجاد کرده که در حرکت پیوسته آن در طی قرون متتمادی و تکوین آن نقش اصلی را ایفا کرده است. تفکر برآمده از اخلاق و آموزش برخاسته از آن، موجب تحول، وحدت و انسجام در خوش‌نویسی و عوامل تأثیرگذار بر آن شده است. نتایج این آموزش در حفظ و گسترش خوش‌نویسی مشخصاً از این قرار است.
- ۵ روابط اخلاقی بر مبنای آموزه‌های دینی، بین استاد و شاگرد، سبب وحدت و انسجام عوامل و عناصر در نظام آموزش می‌شود.
- ۵ شاگرد استاد را به عنوان مراد خود می‌پذیرفته و پیروی کامل از او داشته و استاد با شناخت استعداد شاگرد بدون محدودیت به وی می‌آموخته است. این امر موجب انتقال تجربیات استاد و

### فهرست منابع:

- شیمل، آن‌ماری (چاپ اول ۱۳۶۸)، خوش‌نویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، آستان قدس رضوی، مشهد.
- صرف، مرتضی (۱۳۵۲)، رسائل جوانمردان، مقدمه و خلاصه فرانسوی هنری کربن، رساله‌ای که از این مجموعه استفاده شده است: شیخ شهاب الدین عمر سهپوری، فتوت نامه، قسمت ایران شناسی انتستیتو فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران، تهران.
- عبدالرحمون بن خدون (۱۳۵۳)، مقدمه این خدون، ترجمه محمد کتابداری، جلد دوم، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران.
- عبدالرحمان جامی (چاپ هفتم ۱۳۷۵)، مثنوی هفت اورنگ، به تصحیح و مقدمه آقا مرتضی - مدرس گیلانی، مهتاب، تهران.
- قاضی میر احمد بن شرف الدین حسین منشی قمی (چاپ سوم ۱۳۶۶)، گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، کتابخانه منوچهری، تهران.
- قليچ خانی، حمید رضا (چاپ اول ۱۳۷۳)، رسالاتی در خوش‌نویسی و هنرهای ادبی، رساله‌ای که از این مجموعه استفاده شده است: سلطان علی مشهدی، صراط السطور / محمد بخاری، فوائد الخطوط، روزنه، تهران.
- کربن، هانری، (چاپ اول ۱۳۶۲)، آشنی جوانمردی (مشتمل بر هفت فتوت نامه)، رساله‌ای که از این مجموعه استفاده شده است: شیخ شهاب الدین عمر سهپوری، فتوت نامه، ترجمه احسان نراقی، انتستیتو فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران، تهران.
- مايل هروی، نجیب (چاپ اول ۱۳۷۲)، کتاب آرائی در تمدن اسلامی (شامل رسالاتی در باب خوش‌نویسی و فنون نگارگری)، رساله‌ای که از این مجموعه استفاده شده است: میر علی هروی، مداد الخطوط / دوست محمد گواشانی، دیباچه / فتح الله سبزواری، اصول و قواعد خطوط ست، آستان قدس رضوی، مشهد.
- میر عمار الحسني (چاپ اول ۱۳۸۰)، رساله آداب المشق، انتشارات مبلغان، تهران.
- مولانا جلال الدین محمد بلخی (۱۳۱۹)، مثنوی معنوی، به تصحیح و مقایله محمد رمضانی، چاپخانه خاور، تهران.
- مولانا حسین واعظ کاشفی سبزواری (چاپ اول ۱۳۵۰)، فتوت نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محجوب، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
- يعقوب ابن حسن سراج شیرازی (چاپ اول ۱۳۷۶)، تحقیق المحبین (در آئین خوش‌نویسی و لطایف معنوی آن)، به اشراف محمد تقی پژوه و به کوشش کرامت رعنا حسینی و ایرج افشار، میراث مکتب، تهران.

**منبع تصاویر:**

الهی قمشه ای(چاپ اول ۱۳۶۴)، مرقع رنگین، تهیه و تنظیم، هیئت اجرایی کنگره انجمن ادب و هنر، انجمن خوش نویسان ایران، تهران.  
الهی قمشه ای(چاپ اول ۱۳۶۶)، مرقع رنگین، تهیه و تنظیم، کمیته انتشارات و تبلیغات ستاد پرگزاری گرد همایی سراسری خوش نویسان کشور، انجمن خوش نویسان ایران، تهران.

W. L., Thomas & Glenn Q. D. Lowry, (1989), Timur and the princely vision, Washington D.C., Smithsonian, Gary Welch.  
DAVID J. ROXBURGH, (2004), THE PERSIAN ALBUM 1400-1300, Yale University Press New Haven & London.